

هویت، کرامت، فرهنگ و حقوق بشر

کلارنس دایاس

مرکز بین‌المللی توسعه حقوقی

مترجم: رضا علی قلی‌پور

چکیده

این مقاله در صدد ارائه تحلیلی مبتنی بر حقوق بشر از سه مفهوم مرتبط یعنی هویت، کرامت و فرهنگ است و از این تفکر حمایت می‌کند که اعمال ارزش‌ها، اصول، هنجارها و معیارهای حقوق بشر بین‌المللی به تمام ابعاد روابط بین هویت، کرامت و فرهنگ و به کارگیری ساز و کارهای حقوق بشر بین‌المللی در همه آن جوانب، هم برای پیش‌گیری از تعارض و هم برای ایجاد صلح پس از آن، ضرورت دارد. این مقاله طرفدار این فکر است که به کارگیری این ارزش‌ها، اصول، هنجارها و معیارهای حقوق بشر بین‌المللی و به کارگیری سازکارهای حقوق بشر بین‌المللی در همه ابعاد روابط بین هویت، کرامت و فرهنگ برای حفظ و ارتقاء تنوع فرهنگی و تکثرگرایی در جوامع چند قومی ضروری است. واژگان کلیدی: هویت؛ کرامت؛ تکثر گرایی؛ تنوع فرهنگی.

مقدمه

وقتی ساموئل هانتینگتون نظریه جعلی برخورد تمدن‌ها را مطرح کرد در سراسر جهان شری به پا کرد. اسلام چون دیوی جلوه داده شد و غرب به ذهنیت جنگ‌های صلیبی بازگشت. حوادث وحشتناک یازده سپتامبر و پیامدهای بعدی آن، هم علت و هم معلول چنین تحولاتی بود. اعلامیه دولت بوش در مورد جنگ جهانی علیه تروریسم، تنش‌ها و اختلافات را افزایش داده و تشدید نمود. سلطه تنها ابر قدرت و عملکرد یکجانبه آمریکا در عراق کمک کرد تا نظریه هانتینگتون به یک پیش‌گویی قابل تحقق درباره تنازع و خشونت تبدیل شود.

امروزه در جهان آکنده از اختلافات فزاینده، هم از طرف بعضی حکومت‌ها و هم بخشی‌هایی از جامعه جهانی، به هویت^۱ به طور روزافزون به عنوان یک مسئله منفی و نامطلوب نگریسته می‌شود. آنها به ویژه به هویت قومی، به طور فزاینده به عنوان چیزی که باید کنترل، جذب و همگون شود نگاه می‌کنند. جوامع خودشان درباره اینکه چگونه با مسئله قومیت خویش برخورد کنند، سر در گم هستند.

در بیشتر کشورها، جوامع اقلیت که همچنان با محرومیت از توسعه و فقر طاقت فرسای روزافزون روبه‌رو هستند با تکیه بر هویت قومی خویش در مبارزه علیه تبعیض‌ها و در مبارزه برای عدالت اجتماعی و اقتصادی، به منظور کسب حق تعیین سرنوشت و سرانجام انشعاب و جدایی، واکنش نشان می‌دهند. تنازعات مسلحانه و داخلی خیلی سریع برچسب تنازعات قومی دریافت می‌کنند.

در سایر کشورها مانند اندونزی، بحران‌های بی‌نظیر اقتصادی که دو سوم جمعیت کشور را زیر خط فقر برده است، عامل حمله اکثریت قومی به اقلیت قومی ثروتمندتر می‌شوند. و نیز در سایر کشورها مانند بنگلادش اوضاع ناگوار اقتصادی در کشور، شمار فزاینده‌ای از کارگران مهاجر را وادار می‌کند که در کشورهای ثروتمندتر منطقه و خارج از آن در جست‌وجوی کار باشند. این کارگران مهاجر نه تنها با استثمار بلکه با تبعیض شدید نیز مواجه هستند. کشورهای درگیر غالباً با اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات اقتدارطلبانه به این امر واکنش نشان می‌دهند. امروزه طرفداران محیط زیست به حق، نگران آسیب به تنوع زیستی هستند و از گام‌هایی که برای متوقف کردن چنین آسیب‌هایی برداشته می‌شود، حمایت می‌کنند. متأسفانه جنبشی مشابه برای جلوگیری از آسیب به تنوع فرهنگی وجود ندارد.

طی پنجاه سال گذشته مدیریت دولت‌ها در خصوص روابط قومی غالباً از رویه‌ها و سیاست‌های همگون سازی اجباری، تبعیض، عضوگیری و دخل و تصرف تا رویه‌ها و سیاست‌های نظامی‌گری، پاکسازی قومی و قوم‌زدایی متغیر بوده است. از طرف دیگر طی پنجاه سال گذشته، ابتکار جامعه مردم-به-مردم در خصوص روابط قومی، غالباً الگوهای موفقی از آشتی، میانجیگری، واکنش به بحران و مذاکرات صلح به همراه داشته است. روشن است که باید از این امر درس گرفت. حکومت دموکراتیک باید با تبدیل شدن روز افزون به یک حکومت فراگیرتر، به چالش‌های قوم‌گرایی و تکثرگرایی پاسخ دهد.

منشور سازمان ملل تصویری از جهان به ما ارائه می‌دهد که در آن تنوع فرهنگی یک گنج بی‌قیمت است که باید آن را پرورش داد، از آن لذت برد و حفاظت و صیانت نمود؛ تصویری از جهان که تکثرگرایی جایگزین مرجح و برجسته است که باید برای آن تلاش کرد و بدان دست یافت و از آن حفاظت کرد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک چارچوب جهانی، همگانی و تفکیک‌ناپذیر از ارزش‌ها و اصول به ما

می‌دهد که مفاهیم محوری برابری، عدم تبعیض، مشارکت، پاسخگویی، سعادت و عدالت برای همه در آن انعکاس یافته و تکرار می‌شود. این ارزش‌ها، اصول و هنجارها باید به طور جدی و مستمر اعمال شوند تا از تنوع فرهنگی و تکثرگرایی در کشورهای چند قومیتی حمایت و آنها را تقویت کند. آنها باید به عنوان چارچوبی برای تجدید همکاری بین‌المللی به کار گرفته شوند تا موج خیزش دوباره یکجانبه‌گرایی در روابط میان کشورها، دولت‌ها و مردم را متوقف و برعکس کند.

این مقاله در صدد ارائه تحلیلی مبتنی بر حقوق بشر از سه مفهوم مرتبط یعنی هویت، کرامت و فرهنگ است و از این فکر حمایت می‌کند که اعمال ارزش‌ها، اصول، هنجارها و معیارهای حقوق بشر بین‌المللی به تمام ابعاد روابط بین هویت، کرامت و فرهنگ و به کار گرفتن سازوکارهای حقوق بشر بین‌المللی در همه آن جوانب هم برای پیش‌گیری از تعارض و هم برای ایجاد صلح پس از آن ضرورت دارد. این مقاله طرفدار این فکر است که به کارگیری این ارزش‌ها، اصول، هنجارها و معیارهای حقوق بشر بین‌المللی و به کارگیری سازوکارهای حقوق بشر بین‌المللی در همه ابعاد روابط بین هویت، کرامت و فرهنگ برای حفظ و ارتقاء تنوع فرهنگی و تکثرگرایی در جوامع چند قومی ضروری است.

هویت

لغت نامه وبستر، هویت (Identity) را به معنی ویژگی یا شخصیت متمایز کننده یک فرد تعریف می‌کند. این تعریف هم در مورد افراد و هم در مورد جوامع یا جمعیت‌ها به طور برابر صحیح است.

واژه هویت معانی چندگانه‌ای در خود دارد و این شگفت‌انگیز نیست که بیشتر مردم هویت‌های چندگانه دارند که به عنوان مثال از جنسیت، تمایل جنسی، سن، دین، زبان، قومیت، نژاد و ... نشئت می‌گیرد. دو میثاق حقوق بشر بین‌المللی، ابعاد مختلف هویت را مورد توجه قرار داده‌اند: بُعد مدنی؛ مثلاً حق بر اینکه نزد قانون در همه جا به عنوان یک شخص به رسمیت شناخته شود؛ بُعد سیاسی؛ مثلاً حق بر رای دادن؛ بُعد اقتصادی؛ مثلاً حق بر تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های صنفی با انتخاب خود؛ بُعد اجتماعی؛ مثلاً حق خانواده برای صیانت توسط جامعه و دولت و بُعد فرهنگی؛ مثلاً حق گروه‌ها برای بهره‌مندی از فرهنگ خاص خود، عمل به دین خاص خود و استفاده از زبان خاص خود.

به عبارت دیگر وبستر، هویت را «همانی در تمام آنچه که واقعیت عینی یک چیز را تشکیل می‌دهد» معنی می‌کند. بنابر هویت یک بعد عینی و نیز یک بعد ذهنی دارد. از جهت ذهنی، هویت فرد، تصویری است که وی از خود دارد و از لحاظ عینی، هویت فرد تصویری است که دیگران از او دارند. بنابر این هویت، هم امری واقعی است و هم امری اعتباری. فرآیند تعیین هویت بسیار مهم است و غالب افراد و گروه‌ها مدعی حق تعیین هویت خود هستند. معیارهای حقوق بشر حاکم بر فرآیند تعیین هویت است و ایجاب می‌کند که چنین فرآیندی، فرآیند شناسایی دربرگیرنده باشد نه اخراج کننده یا عدم شناسایی تبعیض آمیز. همچنین نگاه کاریکاتوری و کلیشه‌ای به هویت از سوی نظام بین‌المللی حقوق بشر ممنوع است. همدلی و ادراک مشترک از هویت از سوی خود و دیگران، هماهنگی و صلح را افزایش می‌دهد. وقتی تنش‌ها هویت را محاصره کنند یا وقتی شناسایی وجود نداشته باشد یک بحران هویت پیش می‌آید که غالباً به اختلاف و تعارض منتهی می‌شود. اهمیت نظام بین‌المللی حقوق بشر از همین جاست؛ چرا که سعی می‌کند هویت را شناسایی کرده و بر آن تأکید نماید و اعمالی که هویت را نفی یا انکار می‌کند، ممنوع نماید.

کرامت

فرهنگ وبستر، کرامت (Dignity) را «کیفیت یا حالت ارزشمند، محترم و عزیز بودن» تعریف می‌کند. کرامت یکی از ارزش‌های مورد تأکید منشور سازمان ملل است و در کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر و به درستی در همه اسناد منطقه‌ای و جهانی حقوق بشر تأکید زیادی بر آن شده است. کرامت یک بُعد داخلی و یک بُعد خارجی دارد. کرامت از مباهات بر هویت شخص یعنی از احساس ارزشمند بودن خود نشئت می‌گیرد. اما کرامت وقتی افزایش می‌یابد که از طرف دیگران مورد شناسایی، احترام و عزت قرار گیرد. بنابراین کرامت حاصل تعامل بین ارزش و احترام است. یکی از وظایف اصلی چهارگانه که بخش اساسی پارادایم حقوق بشر هستند، تکلیف به احترام گذاشتن است.

این ربط و نسبت میان هویت و کرامت است که به ما کمک می‌کند تا تفاوت‌ها و تنوع را قدر دانسته و ارج نهیم. درک و تحمل تفاوت‌ها نه تنها کرامت بلکه صلح و هماهنگی را نیز افزایش می‌دهد. این است علت آنکه یکی از اسناد بسیار مهم نظام بین‌الملل حقوق بشر یعنی کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی هرگونه تبعیض نژادی، تفکیک نژادی و

آپارتاید را محکوم می‌کند و دول متعهد به کنوانسیون را ملزم می‌کند که همه رویه‌های این چینی را در قلمرو تحت حکومتشان «جلوگیری، ممنوع و ریشه کن نمایند». کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، چنین امری را در خصوص زنان مقرر می‌دارد.

نظام بین‌المللی حقوق بشر، رویه‌های متعدد بی‌احترامی به کرامت انسان مانند: تبعیض، محروم سازی، عدم تحمل، بیگانه هراسی، پاکسازی قومی و نسل‌کشی را ممنوع کرده است و دو مورد اخیر در قوانین دیوان بین‌المللی کیفری «جرائم علیه بشریت» تلقی شده است. رعایت، حمایت، ترویج و اجرای حقوق بشر نه تنها از کرامت فردی و جمعی انسان پاسداری بلکه فرهنگ صلح را نیز ترویج می‌کند.

فرهنگ

لغت نامه وبستر، فرهنگ را به معنی باورهای مرسوم، اشکال اجتماعی، ویژگی‌های مادی یک گروه نژادی، مذهبی یا اجتماعی و مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، اهداف و اعمال مشترک تعریف می‌کند. نظام بین‌المللی حقوق بشر تمرکز بر قومیت و نژاد را می‌پذیرد و بر حق هر فرهنگ خاص برای شکل‌گیری کامل آسوده از تحقیر از سوی گروه‌های قدرتمندتر تأکید می‌کند و بر این مطلب پای می‌فشارد که محو تبعیض مبتنی بر نژاد منوط به احترام همگانی به منحصر به فرد بودن هر گروه قومی در جهان چند فرهنگی‌امان است. بهره‌مندی تک تک افراد از میراث فرهنگی خود، منوط به حمایت از حقوق فرهنگی کل گروه است.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر فرد را برای مشارکت در حیات فرهنگی به رسمیت می‌شناسد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی؛ حق اقلیت‌های قومی، مذهبی و زبانی را به صورت فردی یا همراه با دیگر اعضای گروه خود، برای بهره‌مندی از فرهنگ خاص خویش، شهادت و عمل به دین خود یا استفاده از زبان خاص خود به رسمیت می‌شناسد. اعلامیه جهانی سازمان ملل متحد در باره حقوق اقلیت‌ها، در ماده ۲، پنج حق ویژه اقلیت‌ها را که برای اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی است، برمی‌شمارد:

۱. حق بهره‌مندی از فرهنگ خاص، شهادت و عمل به دین خودشان و استفاده از زبان

خود در خلوت و جلوت، به طور آزادانه و بدون هیچ‌گونه مزاحمت یا تبعیض؛

۲. حق مشارکت مؤثر در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛

۳. حق مشارکت مؤثر در سطح ملی و در مواقع مقتضی در سطح منطقه‌ای در تصمیمات مربوط به اقلیتی که به آن تعلق دارند؛

۴. حق برقراری و ادامه ارتباطات مسالمت‌آمیز و آزاد با اعضای گروه خود و با افراد متعلق به سایر اقلیت‌ها بدون هیچ‌گونه تبعیض. این حق همچنین شامل حفظ ارتباط در سراسر مرزها با شهروندان سایر کشورهایی می‌شود که با علائق ملی، قومی، مذهبی یا زبانی به هم گره خورده‌اند؛

۵. حق تأسیس و حفظ انجمن‌های خاص خودشان.

اعلامیه روشن می‌سازد که افراد متعلق به اقلیت‌ها می‌توانند حقوقشان را به صورت فردی و نیز همراه با سایر اعضای گروه خود اعمال کنند. اعلامیه همچنین بین حقوق اقلیت‌ها و حقوق دیگران توازن برقرار می‌کند و بیان می‌دارد که اعمال حقوق بیان شده در اعلامیه نباید به بهره‌مندی همه افراد از حقوق بشر جهانشمول و آزادی‌های بنیادین، آسیب بزنند. این امر اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که می‌توان برای بررسی و اصلاح رسوم فرهنگی مضر مانند قطع اندام جنسی زنانه به اعلامیه استناد کرد.

اعلامیه دولت‌ها را ملزم می‌کند به:

- صیانت از وجود و هویت اقلیت‌ها در قلمرو دولت‌های مربوطه (ماده ۱)؛
- مهیا کردن شرایط برای حمایت از چنین هویتی (ماده ۱)؛
- تصویب قوانین مناسب و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحقق آن اهداف (ماده ۱)؛
- هر جا که لازم است اتخاذ اقدام برای تضمین این امر که اشخاص متعلق به اقلیت‌ها «بتوانند به طور کامل و مؤثر و بدون هیچ‌گونه تبعیض و با برابری کامل در مقابل قانون همه حقوقشان را اعمال کنند» (ماده ۴)؛
- ایجاد شرایط مطلوب برای قادر ساختن اقلیت‌ها برای «اظهار خصایص و بسط فرهنگ، زبان، مذهب، عادات و سنن خودشان» (ماده ۴)؛
- اتخاذ اقدامات مناسب به گونه‌ای که هر جا ممکن است «اقلیت‌ها بتوانند فرصت‌های کافی برای

یادگیری زبان مادری یا آموزش به زبان مادری‌اشان داشته باشند» (ماده ۴)؛

- تلاش در حوزه آموزش «جهت ترویج آگاهی از تاریخ، سنت‌ها، زبان و فرهنگ اقلیت‌های موجود در قلمروشان» (ماده ۴)؛
- در نظر گرفتن اقدامات لازم برای آنکه «اقلیت‌ها بتوانند کاملاً در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشورشان مشارکت کنند» (ماده ۴).

فهم حقوق بشر

این مقاله از این ایده حمایت می‌کند که اعمال این ارزش‌ها، اصول، هنجارها و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در همه ابعاد روابط بین هویت، کرامت و فرهنگ و به کار بستن سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشر در همه آن ابعاد، کاری لازم و ضروری برای حفظ و گسترش تنوع فرهنگی و کثرت‌گرایی در جوامع چند قومی است. اگر بناست حقیقتاً چنین راهبردی اتخاذ شود ضرورت دارد که همه و نه تنها سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشر، فهمی مشترک و اساسی از حقوق بشر را به وجود آورند.

حقوق بشر، حقوق بشر است

- حقوق بشر حقیقتاً حق‌های حقوقی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های مختلف حقوق بشر، کنوانسیون‌ها، معاهدات و اعلامیه‌ها، منشورهای منطقه‌ای، قوانین اساسی و عادی ملی تقدیس شده‌اند.
- حقوق بشر خیلی بیشتر از حق‌های حقوقی است. حقوق بشر حقوق هستند نه صرفاً به خاطر آنکه در اسناد حقوقی به رسمیت شناخته شده‌اند.
- حقوق بشر در طبیعت هر انسانی به طور ذاتی وجود دارد.
- حقوق بشر تعیین‌کننده و حافظ انسانیت است.
- حقوق بشر وجود دارد تا انسانی بودن زندگی بشر را تضمین کند.
- حقوق بشر وجود دارد تا جبران تعدی‌های غیر انسانی و ممانعت از آنها را تضمین کند.
- حقوق بشر ارزش‌ها، اصول و معیارهای لازم را برای حفاظت از گران‌بهاترین حقوق یعنی حقوق انسان بودن را که حق زن بودن جزء اساسی و جدایی‌ناپذیر آن است، فراهم می‌کند.

حقوق بشر برای سعادت انسان لازم و ضروری است:

- بهره‌مندی از حقوق بشر بین بودن و صرف وجود داشتن، تفاوت ایجاد می‌کند.
- حقوق بشر از کرامت و هویت انسانی (فردی و جمعی) پاسداری می‌کند و بدین ترتیب به هستی ارزش و معنا می‌بخشد.
- حقوق بشر از تمامیت جسمی شخص و امنیت انسانی همه مردم پاسداری می‌کند.
- رهایی از ترس و فقر، حداقل شرایط لازم برای وجود افراد، جوامع و ملل است.
- حقوق بشر، همگانی و وابسته به یکدیگرند و در واقع باید چنین باشند؛ زیرا ذاتی هر شخص انسانی‌اند.
- حقوق بشر هم فردی و هم جمعی است و در واقع باید چنین باشد؛ زیرا هیچ انسانی یک جزیره نیست و در حقیقت وجود فردی و منفرد ما از تعامل اجتماعی ما با خانواده، دوستان و جامعه معنا پیدا می‌کند. بنابراین حقوق بشر، خود آتیه انسانی ما را تعریف و از آن دفاع می‌کند.

مفاهیم کلیدی حقوق بشر

حقوق بشر، جهانشمول؛ جدا ناپذیر؛ وابسته و مرتبط به هم هستند. حقوق بشر، جهانشمول و سلب ناشدنی است.

در تمام قرون، در تمام تمدن‌ها، در تمام ادیان، حقوق بشر برای همه انسان‌ها و برای همه ملل وجود داشته است و حقوق بشر جدا ناپذیر است.

این دوگانگی که برخی حکومت‌های آسیایی بین نان و آزادی مطرح کرده‌اند، نادرست است. آنها می‌گویند: الان نان، بعد آزادی. اما از لفاظی گذشته، به مرور زمان، چنین حکومت‌هایی نه نان مردم را تأمین می‌کنند نه آزادی آنها را. مسئله واقعی جوامع ما، نان در مقابل آزادی نیست؛ بلکه مسئله واقعی این است که چه کسی در جوامع ما چه مقدار از نان و آزادی را دارد و چرا؟ بدون نان، مشکل است انسان آزادی خود را اعمال کند و بدون آزادی هم نان طعمش را از دست می‌دهد.

حقوق بشر وابسته و مرتبط به هم هستند

بنابراین حق تغذیه با حق کار، حق سلامتی، حق برخورداری از خدمات اجتماعی و مهم‌تر از همه با حقوق زنان در ارتباط است. حق برخورداری از مسکن «مناسب» نمونه خوبی است. عوامل

و حقوق مرتبط به هم از قبیل موارد زیر تعیین کننده مسکن مناسب هستند: دسترسی به شغل و خدمات اساسی، مراقبت‌های بهداشتی و کاری، توان مالی کافی، قابلیت سکونت، قابلیت حصول و تناسب فرهنگی.

پارهای از حقوق از قبیل مصونیت از تبعیض راهی میان‌بر و ذاتاً مرتبط با بهره‌مندی از چندین حق بشری دیگر است. لکن، تفکیک ناپذیری حقوق بشر و وابستگی و ارتباط آنها با یکدیگر مانع از اولویت‌بندی در فعالیت حقوق بشری نمی‌شود. مسلماً اولویت باید به حقوقی داده شود که بیشتر نادیده گرفته شده و کمتر تحقق یافته‌اند و همچنین به حقوق کسانی که بیشتر مورد غفلت، محرومیت یا تبعیض بوده‌اند.

تکالیف مرتبط با حقوق بشر

حقوق بشر با خود چهار تکلیف مرتبط به هم دارد که دولت‌ها باید انجام دهند:

۱. تکلیف احترام گذاشتن که لازمه آن اجتناب کردن از مزاحمت در بهره‌مندی

[دیگران] از حقوق است؛

۲. تکلیف صیانت کردن که لازمه آن ممانعت از نقض این حقوق توسط نهادهای دولتی

و طرف ثالث است؛

۳. تکلیف ترویج کردن که لازمه آن بالا بردن آگاهی عمومی درباره حقوق و راه‌های

اثبات و صیانت از آنهاست؛

۴. تکلیف تحقق بخشیدن که دولت را ملزم می‌کند که اقدامات مناسبی را برای تحقق

کامل حقوق انجام دهد.

این تکالیف هم مثبت (فعل) و هم منفی (ترک فعل) هستند. برخی از این تکالیف باید فوراً انجام شوند در حالیکه برخی دیگر می‌توانند به صورت تدریجی عمل شوند. این تعهدات، هم تعهدات مربوط به فعل و هم تعهدات مربوط به نتیجه هستند. از این‌رو، تعهدات صرفاً با وضع قانونی (که مثلاً الزام می‌کند که یک سوم کل مناصب حکومت محلی باید به زنان اختصاص یابد) ادا نمی‌شود؛ بلکه باید بررسی شود که در واقع چه تعداد زن در نتیجه این قانون، مقام سیاسی به دست آورده‌اند.

مطابق روال، تکالیف متوجه دولت است. لکن در نتیجه پیشرفت‌هایی که زنان در شناسایی حقوق خود به دست آورده‌اند، اکنون این امر پذیرفته شده است که این تکالیف متوجه بازیگران غیردولتی (به عنوان نمونه خشونت خانگی علیه زنان) هم می‌شود و این تکالیف می‌تواند فردی یا جمعی باشد.

اصول حقوق بشر

سه اصل حقوق بشر رابطه ویژه‌ای با دیوان سالاری مربوط به توسعه دارد: مشارکت، عدم تبعیض و حکومت قانون. اعلامیه حق بر توسعه، اصل مشارکت در توسعه را چنین توضیح می‌دهد: آزاد، فعال و هدفمند بودن. علاوه بر این، روشن می‌سازد که مشارکت هم هدف و هم وسیله در هم تنیده توسعه است.

اعلامیه همچنین بر اصل عدم تبعیض و سهم بودن منصفانه در منافع توسعه تأکید دارد. این اصل توجیه لازم برای هدف‌گیری برنامه‌های توسعه به سمت آنهایی که بیشتر از همه نیازمندند و معطوف ساختن سیاست‌های تبعیض مثبت به آنهایی که به لحاظ تاریخی مغفول و محروم از توسعه بوده‌اند، فراهم می‌سازد.

اصل حکومت قانون رابطه شایان توجهی با برنامه‌ریزی حکومتی دارد. این اصل تأکید دارد که هیچ کس فراتر از قانون نیست. همه افراد مستحق حمایت برابر قانونی هستند. همچنین بیان می‌دارد که باید برای هر حقی، جبرانی باشد و لذا، حق بر جبران به موقع و مؤثر، برنامه‌ریزی در بخش‌های اصلاح حقوقی و قضایی را به چالش می‌کشد.

حقوق بشر پویا است نه ایستا و دامنه آن اغلب به مرور زمان گسترش می‌یابد (مثلاً مصونیت از شکنجه دیگر صرفاً به شکنجه جسمانی مربوط نمی‌شود). دولت‌ها هم می‌توانند دامنه حقوق بشر را با قابل توجیه ساختن (قابل رسیدگی در دادگاه) جنبه‌های مختلف یک حق خاص گسترش دهند.

معیارهای حقوق بشر

هر سند مربوط به حقوق بشر فهرستی از حقوق ضمانت شده توسط آن سند را در خود دارد. از توصیف حقوقی حقی که در آن سند وجود دارد با اصطلاح معیار حقوق بشر یاد می‌شود. به عنوان

مثال، معیارهای حقوق بشر موجود در کنوانسیون حقوق کودک در زیر آورده شده است:

- مصونیت از تبعیض؛
- حق آموزش؛
- آزادی انجمن، عقیده، بیان، اجتماعات و جابجایی؛
- آزادی فکر، وجدان و دین؛
- مصونیت از شکنجه و رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیر انسانی یا خوار کننده؛
- مصونیت از بازداشت یا حبس غیرقانونی یا خودسرانه؛
- حق محاکمه عادلانه؛
- حق برخورداری برابر از حمایت قانون؛
- مصونیت از مداخله خودسرانه در امور خصوصی، خانوادگی، خانه یا مکاتبات؛
- حق پناهندگی از ظلم؛
- حق نام و تابعیت؛
- حق رای دادن و شرکت در امور عمومی؛
- حق زندگی، آزادی و امنیت شخص؛
- حق هر کس برای برخورداری از بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روانی قابل حصول؛
- حق دسترسی به شرایط کاری مطلوب و عاقلانه؛
- حق برخورداری از غذا، مسکن، پوشاک و تأمین اجتماعی مناسب؛
- حق مشارکت در زندگی فرهنگی و بی‌تردید؛
- حق بر توسعه.

حمایت، ترویج و تحقق حقوق بشر: رویکردهای تکمیلی

درباره حقوق بشر دو رویکرد اساسی وجود دارد: رویکرد واکنشی و رویکرد کنشگرانه. کانون توجه رویکرد واکنشی، نقض هاست. اما تمرکز رویکرد کنشگرانه جلوگیری از نقض‌ها و تضمین تحقق حقوق بشر است. هر دو رویکرد، مکمل و تقویت کننده یکدیگر می‌باشند.

رویکردهای نقض محور

رویکرد نقض محور معمولاً بر نقض کننده حقوق بشر متمرکز است و به دنبال اعمال مجازات بر چنین ناقضی می‌باشد. اما رویکرد نقض محور می‌تواند بر قربانی نیز متمرکز شود و در پی تضمین کمک‌های جبرانی و توانبخشی قربانی باشد. این رویکرد همچنین می‌تواند به ناظر(که نه ناقض است و نه قربانی) متمرکز شود و در پی آگاه کردن او باشد.

برای یک کارگزار توسعه، رویکرد نقض محور که بر سیستم نهادهای حکومتی تمرکز دارد، به عنوان یک عامل تشخیص بیماری اهمیت دارد. الگوهای نقض حقوق بشر نشان دهنده ضعف سیستماتیک است که نیازمند رسیدگی از طریق توانمندسازی یا اصلاح نهادی است. نهادهای دخیل شامل نهادهای است که مسئولیت اعمال و اجرای قوانین را به عهده دارند.

رویکرد های بازدارندگی

رویکرد بازدارندگی دارای سه بعد است:

۱. گسترش آگاهی درباره حقوق بشر و راه‌های جبران آن از طریق آموزش حقوق بشر؛
 ۲. نیرومندسازی سازوکارهای حمایت از حقوق بشر مانند نظام قضایی، کمیسیون‌های ملی حقوق بشر، بازرسان ویژه رسیدگی به شکایات مردم علیه مقامات دولتی^۲ و رسانه‌ها؛
 ۳. تحقق و اجرای حقوق بشر از طریق اجرای برنامه‌های توسعه در بخش‌های سنتی توسعه (مثل سلامت یا آموزش) در کاهش فقر و در حکومت داری.
- بی شک حقوق بشر درباره قدرت و قدرت دادن است. نویسنده اهل جمهوری چک، میلان کوندرا^۳ به یادمان می‌آورد که «مبارزه انسان علیه قدرت، مبارزه حافظه علیه فراموشی است». حقوق بشر درباره قدرت است و با تأکید می‌گوید: «حق، نه زور». حقوق بشر درباره حافظه است و کرامت، هویت و خود انسانیت‌مان را به یادمان می‌آورد.
- رویکرد حقوق بشر به بهترین وجه در این سخن تأثرانگیز خلاصه شده است که «از نداشتن کفش می‌نالیدم تا اینکه بچه‌ای را دیدم که پا نداشت». حقوق بشر در باره ناله کردن از کفش نداشتن تبعیض‌آمیز و فعالیت در این باره است. حقوق بشر درباره فهمیدن این نکته است که چرا (به خاطر سلاح‌های کشنده یا داروهای مانند تالیدومید) بچه‌ها پا ندارند و فعالیت در این باره است.

اوهام و برداشت‌های غلط درباره حقوق بشر

اوهام و برداشت‌های غلط متعددی پیرامون حقوق بشر وجود دارد:

- حقوق بشر غربی بوده و برای بسیاری از فرهنگ‌ها بیگانه است؛
- حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حقوق واقعی نیستند؛
- حقوق بشر بیش از حد بر فرد در مقابل جامعه تأکید می‌کند؛
- حقوق بشر بیش از حد بر حقوق در برابر مسئولیت‌ها تأکید می‌کند؛
- حقوق بشر رویکردهای خصمانه و دعوایی را در مقابل سازش و توافق ترویج می‌کند؛
- حقوق بشر وضع موجود را به تغییر اجتماعی ترجیح می‌دهد.

همچنین نگرانی‌هایی درباره استانداردهای دوگانه و گزینشی در روشی که دولت‌های قدرتمند در برابر دولت‌های ضعیف و فقیر به حقوق بشر تمسک می‌جویند، وجود دارد.

سازوکارهای حقوق بشر برای حمایت، گسترش و تحقق حقوق اقلیت‌ها

حمایت مؤثر از حقوق بشر اقلیت‌ها و گروه‌های قومی، ایجاد تعامل خلاقانه بین سازوکارها در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی را می‌طلبد. در اینجا تقسیم کار مهمی وجود دارد:

- تعیین استاندارد و به رسمیت شناختن حقوق (فردی و جمعی) با موفقیت زیادی در سطح ملی و بین‌المللی، از راه مذاکره، صورت گرفته است که منجر به امضا و تصویب معاهدات بین‌المللی مانند کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض نژادی و منشور اروپایی حقوق بشر شده است؛
- اجرا و اعمال چنین استانداردهایی باید به صورت اجتناب‌ناپذیری در وهله نخست در سطح ملی صورت بگیرد. از اینجا است که قوانین اساسی و حکومت مشروطه اهمیت می‌یابد؛
- نظارت بر اجرا یا نقض این استانداردها به صورت یک تلاش مشترک هم در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای و هم در سطح ملی انجام می‌گیرد. در ذیل به طور خلاصه سازوکارها و نهادهای موجود برای حمایت از حقوق بشر اقلیت‌ها و نیز بررسی چالش‌های مربوط به قومیت را مرور می‌کنیم.

۱. سازوکارها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای

سازوکار اصلی بین‌المللی، سیستم حقوق بشر سازمان ملل است که نقش‌ها و کارکردهای

فراوانی را از طریق یک سری نهادها به اجرا می‌گذارد که عبارت‌اند از: نهادهای معاهده‌ای، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، سازوکارها و رویه‌های ویژه کمیسیون حقوق بشر و کمیته‌های زیر مجموعه آن، کمیساریای عالی حقوق بشر، شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد (ECOSOC) است که آنها با همدیگر نقش‌های کلیدی زیر را ایفا می‌کنند:

• **تعیین استانداردها (قانون‌گذاری):** چنانکه پیش‌تر هم گفته شد، اگرچه یک معاهده واحد سازمان ملل متحد وجود ندارد که حقوق بشر اقلیت‌ها را تحت پوشش قرار دهد، اما چندین معاهده و اعلامیه سازمان ملل متحد، استانداردهای مربوط به حقوق اقلیت‌ها را تعیین می‌کند به ویژه منشور سازمان ملل متحد؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ میثاق‌های حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ کنوانسیون ضد تبعیض نژادی؛ کنوانسیون زنان (CEDAW)؛ کنوانسیون حقوق کودک؛ کنوانسیون مربوط به نسل‌کشی و اعلامیه سازمان ملل درباره محو هرگونه عدم تحمل و تبعیض بر پایه عقیده یا دین؛ بیانیه یونسکو درباره نژاد و تعصب نژادی و منشورهای حقوق بشر اروپایی، آمریکایی و آفریقایی. اینجاست که بخش قابل ملاحظه‌ای از حقوق بین‌الملل درباره اقلیت‌ها و گروه‌های قومی وجود دارد و مثل همیشه چالش در بخش اجرا و اعمال است.

• **ارتقا آگاهی:** تعیین استانداردهای بین‌المللی با اینکه خود کار مهمی می‌باشد، اما اگر این استانداردها فقط بر روی کاغذ بماند کافی نخواهد بود. نیاز است که آگاهی جهانی درباره چنین استانداردهایی ارتقا و حمایت از دولت‌ها گسترش یابد تا با تصویب معاهدات بین‌المللی این استانداردها را بپذیرند. این کار توسط دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، کارگزاری‌های متعدد سازمان ملل به خصوص یونسکو و یونیسف و مجموع تیم کشوری سازمان ملل که در سطح ملی کار می‌کنند، صورت می‌گیرد. مشارکت مهمی نیز از سوی سازمان‌های غیر دولتی ملی و بین‌المللی انجام می‌شود.

• **نظارت بر اجرا و نقض‌ها:** این کار در سطح بین‌المللی، به وسیله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل؛ کمیته‌هایی که بر اساس شش معاهده اصلی حقوق بشر سازمان ملل شکل گرفته است (به نام نهادهای معاهده‌ای)؛ به وسیله گزارشگران ویژه‌ای که توسط کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ایجاد می‌شوند مانند گزارشگر ویژه درباره عدم تحمل و تبعیض مذهبی و به وسیله سازمان‌های غیردولتی اجرا می‌شود. در سطح منطقه‌ای این کار به وسیله کمیسیون‌های حقوق بشر اروپایی، آمریکایی و

آفریقایی (که نهادهای بین‌الدولی هستند) انجام می‌شود و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی در این امر آنها را کمک می‌کنند. آنها با همدیگر شکایت‌ها و «وضعیت‌ها»، اجرا یا نقض اسناد را بررسی می‌کنند و به این امر می‌پردازند که چه چیزی می‌تواند «تحریک احساس تاسف بین‌المللی» به حساب آید. واکنش‌هایی که به اعدام آگونی ناین (Ogoni Nine) در نیجریه و کشتار کودکان خیابانی در برزیل صورت گرفت، نمونه‌هایی از تاثیر «تحریک احساس تاسف» بین‌المللی می‌باشند. جامعه مدنی نه تنها برای نظارت بر نقض‌های فردی بلکه برای نظارت بر رویه‌های گسترده هم اهمیت دارد. مرکز اروپایی نظارت بر نژاد پرستی و بیگانه‌هراسی، پژوهشی انجام داد و به این نتیجه رسید که در سال ۱۹۹۸ چنین رویه‌هایی در همه ۱۵ عضو اتحادیه اروپا در آن زمان وجود داشته است.

نمونه جالب دیگر انجمن مستقل نظارت متل (MIMCO)^۴ است که به وسیله یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تولیدکننده اسباب بازی دنیا ایجاد شده است تا بر اجرای مقررات شرکت در سال ۱۹۹۷ نظارت کند. این نهاد مستقل، کارخانه‌های شرکت متل را بازدید و توصیه‌هایی را به هیئت مدیره شرکت ارائه می‌کند و بعد از شش ماه بازدید مجددی از کارخانه‌ها به عمل می‌آورد تا اطمینان حاصل کند که به توصیه‌ها توجه شده است.

• **اجرا:** این کار در وهله نخست در سطح ملی رخ می‌دهد اما کارگزاری‌های توسعه سازمان ملل و سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی (به عنوان نمونه، گروه حقوق اقلیت‌ها) حکومت‌ها را در انجام تعهدات حاصل از معاهداتی که به تصویب رسانده‌اند و در حمایت از تحقق تدریجی تمامی حقوق بشر برای تمامی افراد بشر از جمله از طریق توسعه انسانی پایدار، یاری می‌نمایند. سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی مثل شفافیت بین‌الملل (Transparency International) می‌تواند ایفاگر نقش‌های مهمی در اینجا باشد. نمونه جالب بین‌المللی دیگر، شورای نظارت بر جنگل‌ها (Forest Stewardship Council) می‌باشد که ائتلافی از گروه‌های طرفدار محیط زیست، صنعت چوب، کارگران شاغل در جنگل، مردم و جوامع بومی است که برای تأیید میزان چوب برداشتی برای صادرات، همکاری می‌کنند.

• **اعمال:** بار دیگر این کار در درجه اول در سطح ملی انجام می‌گیرد. اما، گرایش برای اعمال در سطح منطقه‌ای (به ویژه توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر) و در سطح بین‌المللی از طریق دادگاه‌های ویژه (برای جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق و رواندا) و همچنین از طریق دیوان

کیفری بین‌المللی تازه تاسیس وجود دارد. سازمان غیردولتی ائتلاف برای یک دادگاه کیفری بین‌المللی نقش حیاتی را در طی مذاکراتی که منجر به ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی گردید، ایفا کرد و اکنون هم که این دادگاه به وجود آمده است؛ تسهیل‌کننده همکاری بین حکومت‌ها و جامعه مدنی است. اما اعمال بین‌المللی شدیداً تحت تاثیر سیاست و از این رو فرآیندی گزینشی است و فقط در موارد استثنایی می‌تواند موثر باشد. از این جهت، اجرا و اعمال ملی دارای اهمیت حیاتی می‌شود. سازوکارهای منطقه‌ای هم از اهمیت برخوردارند. فعالیت دادگاه اروپایی حقوق بشر (وابسته به شورای اروپا) و دیوان دادگستری اروپا (وابسته به اتحادیه اروپا) جهت حمایت از حقوق بشر اقلیت‌ها و مبارزه با نژاد پرستی و بیگانه‌هراسی، سپاس و تحسین جهانی را کسب کرده‌است. علاوه بر این، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) در سال ۱۹۹۳ کمیساریای عالی برای اقلیت‌های ملی ایجاد کرده است.

۲. سازوکارها و نهادهای ملی

سازوکارهای اصلی در سطح ملی، سازوکارهای حکومتی است و سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی نقش کمکی دارند. بنابراین توسعه نظام ملی برای حمایت و گسترش حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها و توسعه نهادهای ملی برای حکمرانی دموکراتیک فراگیر در واقع دو روی یک سکه هستند:

- **تعیین استاندارد (قانون‌گذاری):** در سطح ملی در درجه اول وظیفه مجالس و قانونگذاران است و قوه قضائیه نقش تکمیلی دارد.
- **بالابردن آگاهی:** وظیفه وزیران (مثل وزیر آموزش و پرورش، دادگستری، حقوق بشر)، سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی (شامل رسانه و سازمان‌های حرفه‌ای) است.
- **نظارت و مراقبت:** وظیفه نهادهای عادی دولتی (مجلس، قوه مجریه، قوه قضائیه) و نیز وظیفه سازمان‌های ویژه همانند کمیسیون‌های حقوق بشر، کمیسیون‌های ملی درباره اقلیت‌ها، زنان یا جوانان و همچنین وظیفه نهاد بازرسی ویژه و رسیدگی‌کننده به شکایات مردمی است. کمیسیون‌های ملی حقیقت‌یابی همچنین نقش تاریخی در آفریقای جنوبی، آمریکای مرکزی و برخی دیگر از کشورهای آمریکای لاتین ایفا کرده است. همچنین این وظیفه، به نحوی مهم، بر عهده سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی است. به طور مثال در کاستاریکا نظارت شهروندان بر

کیفیت دموکراسی (در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹) انجام شد که تحولاتی مثبت در ارتباط با سیستم انتخاباتی و بازنگری‌های سیاست عمومی بر اساس قانون اساسی را تقویت کرد و همچنین توجهات را به کمیوهای حکومت محلی جلب کرد. در بسیاری از کشورها، گزارش توسعه انسانی ملی که اغلب کار مشترک سازمان ملل و حکومت ملی است، عمل نظارت را انجام می‌دهد. از سال ۱۹۹۲ تا به حال، ۱۵۷ مورد از این گزارش‌ها در کشورهای اروپای شرقی و در کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS)، ۱۰۶ مورد در آفریقا، ۶۳ مورد در آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، ۵۰ مورد در آسیا و حوزه اقیانوس آرام و ۲۶ مورد در کشورهای عربی وجود داشته است. اما، موضوعات مربوط به حکمرانی را در نظر بگیریم، فقط ۱۷ مورد به حقوق بشر، ۲۱ مورد به تمرکز زدایی، ۳۰ مورد به انسجام و محروم‌سازی اجتماعی، ۲۹ مورد به مشارکت، ۱۷ مورد به دموکراسی و ۳ مورد به نابرابری پرداخته‌اند.

• **اجرا:** کار وزیران و دستگاه اداری آنهاست که از سوی سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی یاری می‌شوند.

• **اعمال:** کار سیستم اعمال قانون است که شامل پلیس، دادستان‌ها و قضات می‌شود. اما اینجا هم نیاز است که سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی فشار خود را برای اعمال موثر به کار گیرند.

با توجه به اشاره‌های مختصر فوق، تعداد بسیاری از سازوکارهای حقوق بشر در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی از پیش وجود دارد. باید اذعان کرد که بسیاری از این سازوکارها نیاز به تقویت‌سازی و برخی دیگر از آنها نیازمند اصلاح هستند. اما همه آنها بالقوه می‌توانند به طور راهبردی، در کار حمایت، گسترش و اجرای حقوق بشر اقلیت‌ها دخیل باشند. در این صورت، هویت و کرامت فردی و جمعی به رسمیت شناخته شده و مورد احترام خواهند بود. تنوع فرهنگی به جای سرکوب شدن و مورد ترس قرار گرفتن، حفظ شده و مورد احترام خواهد بود. نقض حقوق بشر به نام سنت‌های فرهنگی ترک شده و مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و حقوق بشر این شریف‌ترین آفریده بشریت به عنوان منبع حیاتی در پاسداری از انسانی ماندن زندگی انسان؛ در گرامی داشتن مهمترین ارزش‌های انسانی و در تحقق ارزشمندترین حقوق بشر یعنی حق انسان بودن عمل خواهد کرد.

یادداشت‌ها

۱. مفهومی که نه تنها ساخته شده، بلکه پیوسته در حال بازسازی است.

۲. Ombudsperson.

۳. Milan Kundera.

۴. the Mattel Independent Monitoring Council.